پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض

عنوان:
بررسی معناي افعال در ديوان حافظ

استاد راهنما:
دکتر خدابخش اسداللهی

استاد مشاور:
دکتر رامین محرمي

پژوهشگر:
الهه شاه حسینی

بتاییز 1395
نام خانوادگی دانشجو: شاهحسینی
نام: الهه

عنوان پایان‌نامه: بررسی معناها در دیوان حافظ

استاد راهنما: دکتر خدابخش اسد‌اللهی

استاد مشاور: دکتر رامین محرمی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه: محقق اردبیلی

گرایش: محض

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

تعداد صفحات: 105

چکیده:
موضوع پایان‌نامه حاضر بررسی معناها در دیوان حافظ است که در فهم درست ایبایت و اندیشه حافظ نقش به سزایی دارد. برای این منظور، در بخش مبانی نظری پاره‌هايی از مطالب مربوط به معنای شناختی و دستور زبان فارسی ذکر شده است. در بخش بحث و بررسی، مطالب به سه قسمت تقسیم شده است. در بخش اول به معناها فیزیکی و اولیه، پنج فعل مورد تحقیق برداخته شده است. در بخش دوم معنای مختلف و متنوع فعل از راه انتقال معناها به دست می‌آید. این بخش به سه نیز تقسیم شده است. در بخش سوم نیز اندیشه‌ها و جهانی حافظ با استفاده از افعال و ایبایت مربوط به بخش‌گذاری شده است. بررسی‌ها همراه با ایبایت دیوان حافظ و استفاده از شرح‌های متعدد دیوان حافظ. نتیجه‌اند که حافظ با استفاده از امکانات زبان فارسی، خلاقیت و ابزارهای شاعرانه توانسته است از فعل‌های ساده و محدود از طریق ترکیب و افزایش معنایی و مختلف در بافت جمله و همچنین از راه انتقال معنایی، معنای مناسبی را برای ایاد مفهوم و مطالب وسیع ایجاد کند.
فهرست مطالب

<table>
<thead>
<tr>
<th>صفحه</th>
<th>عنوان</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>2</td>
<td>فصل اول: کلیات پژوهش</td>
</tr>
<tr>
<td>3</td>
<td>1- مقدمه:</td>
</tr>
<tr>
<td>3</td>
<td>2- بیان مسئله:</td>
</tr>
<tr>
<td>4</td>
<td>3- سؤالات تحقیق:</td>
</tr>
<tr>
<td>5</td>
<td>4- هدف پژوهش:</td>
</tr>
<tr>
<td>5</td>
<td>5- ضرورت پژوهش:</td>
</tr>
<tr>
<td>5</td>
<td>6- پیشینه پژوهش:</td>
</tr>
<tr>
<td>6</td>
<td>7- روش انجام پژوهش:</td>
</tr>
</tbody>
</table>

<table>
<thead>
<tr>
<th>صفحه</th>
<th>عنوان</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>8</td>
<td>فصل دوم: مبانی نظری پژوهش</td>
</tr>
<tr>
<td>8</td>
<td>2- مباحث دستوری</td>
</tr>
<tr>
<td>8</td>
<td>2- 1-1- تعریف فعل (گذران):</td>
</tr>
<tr>
<td>8</td>
<td>2- 1-2- ساختن فعل</td>
</tr>
<tr>
<td>8</td>
<td>2- 1-3- فعل ساده</td>
</tr>
<tr>
<td>9</td>
<td>2- 2-1- فعل مرکب</td>
</tr>
<tr>
<td>9</td>
<td>2- 3- تاریخ هر نوع فعل با جانشین سازی</td>
</tr>
<tr>
<td>10</td>
<td>4-1- فعل پیشوندی</td>
</tr>
<tr>
<td>10</td>
<td>4-1-2- فعل پیشوندی مرکب</td>
</tr>
<tr>
<td>10</td>
<td>4-1-3- فعل ناقص</td>
</tr>
<tr>
<td>11</td>
<td>4-2- عبارت فعلی (گروه فعلی)</td>
</tr>
<tr>
<td>11</td>
<td>4-3- زمان فعل</td>
</tr>
<tr>
<td>11</td>
<td>4-3-1- افعال ماضی</td>
</tr>
<tr>
<td>11</td>
<td>4-3-2- علامت ماضی، مستقبل</td>
</tr>
<tr>
<td>12</td>
<td>4-3-2- فعل های ماضی، مستقبل</td>
</tr>
<tr>
<td>12</td>
<td>4-3-2-1- زمان و زمانه در شعر فارسی</td>
</tr>
<tr>
<td>12</td>
<td>4-3-2-2- مؤلفه های معنایی</td>
</tr>
<tr>
<td>12</td>
<td>4-3-2-3- تغییر معنی در فعل</td>
</tr>
<tr>
<td>12</td>
<td>4-3-2-4- شواهد معنایی</td>
</tr>
<tr>
<td>13</td>
<td>4-3-3- معنی شناسی</td>
</tr>
<tr>
<td>13</td>
<td>4-3-3-1- معنی شناسی شناختی</td>
</tr>
</tbody>
</table>
فصل سوم: بحث و بررسی

- بررسی افعال از نظر لايه ی دوم معنایی
- بررسی فعل "دیدن" (دیدن = فیزیکی)
- بررسی فعل "آمدن" (آمدن = فیزیکی)
- بررسی فعل "خوانندن" (خوانندن = فیزیکی)
- بررسی فعل "کشیدن" (کشیدن = فیزیکی)
- بررسی افعال از نظر لايه ی دوم معنایی
- بررسی فعل "زدن" (زدن = کشیدن)
- بررسی فعل "نوشیدن" (نوشیدن = کشیدن)
- بررسی فعل "نهاشدن" (نهاشدن = کشیدن)
- بررسی فعل "کردن" (کردن = کشیدن)
- بررسی فعل "شدن" (شدن = کشیدن)
- بررسی فعل "گرفتن" (گرفتن = کشیدن)
- بررسی فعل "نواختن" (نواختن = کشیدن)
کردن، افتادن و ادعاکردن، مخالفت و از بین رفت‌نامه، نشان و روش‌نرمک و جامد، وارد و پسه دست آوردن.

Error! Bookmark not defined.
ورود شدن گفته شدن، قابل پیام شدن.

ورود شدن محک قرار گرفتن شدن.

ورود شدن ظاهر شدن تمام شدن داخل شدن.

ورود شدن آواز سردادن.

ورود شدن بند شدن.

ورود شدن قادیر شدن.

ورود شدن باز شدن و محصول دادن.

ورود شدن طول کردن.

ورود شدن بلند شدن.

ورود شدن توجه کردن.

ورود شدن جاری شدن.

ورود شدن خلاص شدن.

ورود شدن جرای شدن.

ورود شدن بررسی فل "دیدن".

ورود شدن توجه کردن.

ورود شدن بند شدن.

ورود شدن هزینه دانستن.

ورود شدن صحیح آمده.

ورود شدن نمونه کردن

ورود شدن تصور کردن یا فکر کردن. 
بررسی افعال از نظر لایه سوم معناپی (جهانیبینی و انديشه‌ی حافظ)
فصل چهارم: نتیجه‌گیری

1- نتیجه‌گیری

2- پیشنهاد

منابع و مآخذ:
<table>
<thead>
<tr>
<th>صفحه</th>
<th>عنوان</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>Error! Bookmark not defined.</td>
<td>نمودار ۳-۱: لایه دوم معنایی فعل «زدن»...</td>
</tr>
<tr>
<td>Error! Bookmark not defined.</td>
<td>نمودار ۳-۲: لایه دوم معنایی فعل «کشیدن»...</td>
</tr>
<tr>
<td>Error! Bookmark not defined.</td>
<td>نمودار ۳-۳: لایه دوم معنایی فعل «امدن»...</td>
</tr>
<tr>
<td>Error! Bookmark not defined.</td>
<td>نمودار ۳-۴: لایه دوم معنایی فعل «دهدین»...</td>
</tr>
<tr>
<td>Error! Bookmark not defined.</td>
<td>نمودار ۳-۵: لایه دوم معنایی فعل «خواستن»...</td>
</tr>
<tr>
<td>Error! Bookmark not defined.</td>
<td>نمودار ۳-۶: پنج فعل در دیوان حافظ از نظر لایه دوم معنایی...</td>
</tr>
</tbody>
</table>
فصل اول:
کلیات پژوهش
مقدمه
معناشناسی، دانش بررسی و مطالعه معانی در زبان‌های انسانی است. به طور کلی، بررسی ارتباط میان واژه و معنایی را معناشناسی می‌گویند. این علم معمولاً بر روی رابطه بین دلالات کننده‌ها (مانند لغات، عبارات، علامات و نشان‌های این که معناشناسی برای یک استفاده می‌شود) محور دارد. مفاهیم زبان‌شناسی و زبان‌شناسی معنایی بررسی معنای است که توسط انسان‌ها برای نشان دادن خودخواندن در طول زبان استفاده می‌شود. دیگر اشکال معناشناسی زبان‌ها برنامه‌ریزی شده، منطق‌های مجرد و نمادشناسی را شامل می‌شود.

علم وظیفه که شکل می‌گیرد یک هدفی دارد اما این که هدف معناشناسی چیست؟ چند هدف را بتوان مطرح کرد. اول این که معناشناسی یک چرای عمیق است که مانند همه چرای علمی باید برای بررسی خودش را دارد. دوم این که معناشناسی می‌خواهد بین‌هایت زبانی با مطالعات زبانی که در زمینه معنای مطرح هستند از بین ببرد و گستره‌تر نگاه کند. گو این که معناشناسی می‌خواهد به ما یک شیوه و ابزار مطالعه معنایی بدهد که این ابزار به ما کمک کند که در بررسی معنیون و گفتگوهای علمی باشند، به عبارت دیگر، ما از طریق معناشناسی می‌توانیم یک نوع نقد، بالته‌ی نقد نه به معنای نقد ادبی و یک نوع شیوه موشکفانه و دقیق را از یک گفتگو با متن از طریق معناشناسی ارائه بدهیم.

ما معنا را در زبان چه یک کمیم یعنی جایی که یکی از زبان‌های یک کنش زبانی بوده، یا یک شکلی یک کنش زبانی انجام شده. زبان‌شناسی با معناشناسی فرق دارد. ما در معناشناسی دنبال مطالعه ساختار دستور زبانی نیستیم و به دنبال شناسایی واژگان نیستیم اما در معناشناسی به دنبال مطالعه و بررسی رابطه تولید معنی درون درون‌یابی آن نزد خواننده هستیم. در واقع این را به عنوان تولید دستور زبانی و گرامری نگاه نمی‌کنیم، یک واژگان مهم هستند اما آنچه مهمتر است روابط واژگانی که مسیری را طی کنند که به یک معنایی خاص اشاره که مشترک است این است که در دوازده زبان کار داریم یعنی این که معناشناسی مطالعات را روی زبان انجام می‌دهد و زبان‌شناسی هم همین طور در دوازده زبان‌یا زبانی مورد نظر در واقع به دنبال پیدا کردن نظام زبانی است. معناشناسی به دنبال این است که معنا نکته‌ای در اتفاق می‌افتد و تحت چه شرایطی اتفاق می‌افتد؟ چگونه قابل استخراج است. معناشناسی یک شیوه مطالعه متن و گفتگویی و یک روش و ابزار علمی را ارائه می‌دهد.

1. Semantics
منانسانی شناختی: ما زبان را به صورت روزمره به کار می‌بریم، بدون آن که فکر کنیم که هر گزینه نمادی که گفته باشد کاملاً ناشناخته است، در می‌آیند که شنیدن بیشتر بر آن است که معنا چیست می‌توان یافت. نظیه‌ای که بیشتر در زبان‌شناسی و فلسفه به‌کار می‌رود، در این زمینه از دیدگاه کلاسیکی صورت می‌گیرد. باکلیفین این مسئله را با عبارت "محدودیت شناختی" نشان می‌دهد:

**۱- بیان مسئله**

از لحاظ زبان‌شناسی، معناشناسی به موضوعات پایه خود می‌پردازد؛ نظیر چند معنایی (آرایه‌ای که به ابهامات معنایی می‌پردازد)، ترایف (آرایه‌ای که پیرامون لغت هم‌معنی یافته، تضاد (معنی مخالف یک لغت)، هم‌آوا، مجزا و مانند آن (ویکی‌پدیا، دانشنامه‌ی آزاد)

معناشناسی شناختی: ما زبان را به صورت روزمره به کار می‌بریم، بدون آن که فکر کنیم چه می‌کنیم؛ اما زمینه که می‌شنویم دو نفر به زبانی گفتگو می‌کنند که برای ما کاملاً ناشناخته است، در می‌آیند که معنای یک واژه‌ای دیگر چیزی است؟ در فلسفه، زبان‌شناسی و روان‌شناسی، نظیه‌ای متفاوتی را درباره این که معنا چیست می‌پذیرد. نظیه‌ای که برای دیرزمین غلاب بود، بر آن است که معنا و ازگان در جهان بیرونی یافت می‌شوند، نظیه‌ای جدیدتر، که باکلیفین این مسئله را با عبارت "محدودیت شناختی" نشان می‌دهد:

**۲- بیان مسئله**

**۳- بیان مسئله**

یکی از اصلی‌ترین مبانی معناشناسی شناختی این است که آن ساختارهایی که در ذهن ما حامل معنای واژگان هستند، از طبیعتی همسان با ساختارهایی برخوردارند که وقتی می‌چیزی یک دیدگاه متفاوت را دنبال می‌کنیم، وقتی چیزهای مختلف را می‌شنویم، می‌شنویم، لمس می‌کنیم و... در خلاف نظیه‌ای که از آنجا که معنا شناختی نظامی مستقل را تشكیل نمی‌دهد، معناشناسی شناختی تأکید می‌کند که معنای زبان‌شناسی نظامی مستقل را تشکیل نمی‌دهد. بنا به آن توافقی که در معنا-دستکتا تا حدی تجسم‌پذیری می‌شود. باکلیفین این مسئله را با عبارت "محدودیت شناختی" تشریح می‌کند:

**۴- بیان مسئله**

ساختار مفهومی (embodied) است؛ یعنی ساختار مفهومی به‌کار می‌رود در آزموده‌ها و تجربه‌های بیکریم (جسمی) ما در جهان فیزیکی دارد.

ساختار معنی‌های هم‌معنی ساختار مفهومی است؛ یعنی واژگانی که در جهان نیستند بلکه دسترسی به ابزارهایی گسترش‌دار است.

با استفاده از نظریه معنایی دانشنامه‌ای (encyclopedic) (Dictionary view) گفته می‌شود که گفته‌ها و واژگان‌ها به ابزارهای به‌کار می‌رود و گسترش‌دار از
دانش‌های در پیوند با یک مفهوم یا دانش‌های مختلف مفهومی می‌تواند می‌آورند. به سخن دیگر، دانش معنا‌بندی نهفته در ذهن ما از دیگر دانش‌های (زبانی و غیرزبانی) که از آن برخورداریم، جدا نیست.

معنای‌نهایه مفهومی‌سازی است؛ بحث معنی‌نهایه فراویندی است که در سطح مفهومی در سامانه‌های ذهن و شناخت آدمی روی می‌دهد و نه در سطح وازگان و واحدهای زبانی.

جندهمعنایی چیست؟ آنها درباره سابقه مطالعه در زمینه جندهمعنایی مطرح شد. نشان می‌دهد که معنی با یک مفهومی خودشان دارند. به سخن دیگر، معنی معنایی نهفته در ذهن ما از دیگر دانش‌هایی (زبانی و غیرزبانی) که از آن برخورداریم، جدا نیست.

معناسازی همان مفهومی‌سازی است؛ یعنی معناسازی اینست که در سطح مفهومی در سامانه‌های ذهن و شناخت آدمی روی می‌دهد و نه در سطح واژگان و واحدهای زبانی.

چندمعنایی چیست؟ آنچه درباره سابقه مطالعه در زمینه چندمعنایی مطرح شد، نشان می‌دهد که معنی‌شناسان در طرح چندمعنایی واژگان، واژگان را مستقل از یکدیگر و بیرون از روابط جابجایی و همگانی واحدهای زبان مورد توجه قرار داده‌اند و در چنین سایه‌ای احساس کرده‌اند که برخی از واژگان تنها از یک معنی بخوددارند و برخی دیگر دارای چند معنی‌اند. درحالی که می‌توان با قاطعیت مدعی شد که در زبان خودکار، هیچ واژه‌ای را نمی‌توان برحسب همگانی‌های و از واژگان دیگر تغییرات معنی‌ای افزوده شود (صفوی، 1381: 248).

اگر چندمعنایی را نتیجه انتقال معنی واژگانی هم‌نشین به یکدیگر بدانیم، باید به این نکته توجه داشته باشیم که این انتقال معنی» می‌تواند تا به آن حد پیش بروید که به «هم‌معنایی واژگانی» منجر شود؛ یعنی شروطی که واژه‌ها را با یکدیگر در زبان خودکار جابجایی و دیگر در کرده، بدین‌گونه که این اهل زبان به وجود چراغی معنایی پیش از جابجایی‌هایی نیست و برای این دسته از «هم‌معنایی‌های نسبی» از حوصله برای مختصر خارج است؛ ولی طرح همین نکته می‌تواند تأیید نشود تا به آن حد پیش بروید که به معنای این واژه‌ها بازیابی کرده‌اند.

واحدهای آن را نشان‌های زبان و تعلیل آنها تشکیل می‌دهد. مثال معنی‌های واژه‌ای که در زبان خودکار مانند «باپی‌خیایی بدوی تا یولدار شوی» به معنی «تلاش کردن» تبدیل شده است؟ (صفوی، 1381: 131).

در این پایان به این نکته توجه داشته باشیم که انتقال معنی در دیوان حافظ می‌تواند به دو روش متصل به دو روش حافظ طبقاتی از جنده معنایی ارائه شود که بیان کننده جهان بینی و نگر و انديشه حافظ است و ورای معنی ظاهری افعال به لایه‌های بعدی آماره می‌کند.

1- سوالات تحقیق

اول: معنای افعال مورد تحقیق در دیوان حافظ تا چند تلفیق قابل بررسی است؟

دوم: معنای مختلف افعال مورد پژوهش کدامند؟

سوم: در دیوان حافظ انتقال معنای افعال چگونه صورت می‌گیرد؟

چهارم: آیا از طریق بررسی معنای افعال متون حافظ بینی حافظ است و می‌توان منابع افعال با لایه‌های جهان بینی حافظ را تشخیص داد؟

پنجم: برخی از فعال‌های ماضی در دیوان حافظ چگونه از واقعیت زمانی خود عبور می‌کنند و به زمان‌های حال و آینده نیز می‌رسند؟
اهداف پژوهش

هر هدفی، ضرورتی را ایجاد می‌کند و در واقع متمم و مکمل آن است. بر آنی که در این پژوهش برای تسهیل منظمی که با بحث معنی‌شناسی شناختی در افعال بخصوص در دیوان حافظ انتقال معنی‌شناسی دارد، به ترتیب فراهم کنیم که ضمن آشنايي و تشخيص معنای افعال و ابیات با مشکل مواجه تناگز نگردن.

1. آشنایی بیشتر ایل شناختی با بحث معنی‌شناسی شناختی و اجرای آن در افعال دیوان حافظ.
2. تشخیص معنای اولیه و ظاهری و همچنین معنای غیر حقيقی آنها.
3. تشخیص و فهم جهان بینی و نگرش حافظ.
4. تعیین معنای متعادل افعال در دیوان حافظ.
5. تعیین سیاست معنایی متعادل و متنوع مجازی افعال.
6. تعیین و پژوهش در دیوان حافظ.
7. پیدا کردن روش مناسب برای تدوین فرهنگ لغت.

1- ضرورت پژوهش

بحث بررسی معنایی در زبان فارسی به ویژه در دیوان حافظ از منظر معنی‌شناسی شناختی به اندازه کافی مورد مطالعه قرار نگرفته است. پرداختن به معنای افعال از این نگرش، می‌تواند به علائمی غیر محتمل بینشی جديد نسبت به معنی‌شناسی متعادل افعال با توجه به قرار گرفتن آنها در بافت‌های مختلف جمله ایجاد کند.

6- پیشنهاد پژوهش

در مورد موضوع مذکور هیچ اثر مستقیمی تدوین تگردیده است و این موضوع مورد کم توجهی صاحب‌نظران قرار گرفته است. در باخی منابع به صورت پراکنده، مطالبی در این زمینه بوده است و محترم مقاصدی در این ابعاد گسترش و عرضه ندارد. درباره معنایی شناسی افعال در دیوان حافظ به طور محدود و در حد افعال غیر از افعال مورد پژوهش کار صورت گرفته به شرح زیر:

- محترم کمال، منیره (۱۳۹۳) «بررسی معنی‌شناسی فعل (رفتن) در غزليات حافظ» فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال دوم، شماره هفتم، صص ۱۰۴-۱۱۹.

در این مقاله نوشته‌های پژوهش‌های شناختی فعل «رفتن» و غزليات حافظ می‌پردازد تا مشخص کند که فعل رفتن در غزليات حافظ برخلاف حرکت فیزیکی از جایی به جایی دیگر رفتن به کار رفته است. مفاهیم
انتزاعی بیان شده با مفهوم رفت از عبارتند از: مردن، گذر زمان، وجود داشتن و متحمل شدن، عاشق شدن و …؟ همچنین این تحقیق طبقه‌بندی دیگری از معانی را بیان می‌کند که نشان دهنده دیدگاه‌ها و انديشه‌های حافظ است.

- زمان‌بان، رضا، ۱۳۸۸، بررسی افعال از جهت ساختار در غزل‌های حافظ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بعلتی سیستان و همدان.

این پایان‌نامه به شناخت عنصر فعل در متن غزل‌های حافظ اختصاص دارد که تنها به بررسی ساختار افعال از نظر ساده، مركب، پیشوندی و … می‌پردازد.

۱-۷ روش انجام پژوهش

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای اسنادی و جامعه‌ای آماری آن اشعار موجود در دیوان حافظ شیرازی به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی است که در آن پس از روشن کردن تعیین مسائل و بینان حدود تحقیق به شناسایی منابع مرتبط و فیش‌برداری از مطالب لازم برداخته می‌گردد. پس از جمع‌آوری مطالب و تحلیل آنها دیدگاه صاحب‌نظران مطرح می‌گردد.

۸-۸ مواد و داده‌های پژوهش

اساس کار در کتاب دیوان حافظ شیرازی به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی و کتاب معترض زبان‌شناسی در ارتباط با موضوع تحقیق است.
فصل دوم:
مبنای نظري پژوهش
2-1-1-1- تعريف فعل (کنش)

فعل صرف مي‌شد. يعني برای آنکه بر زمان‌های مختلف و شخص‌های مختلف دلالت کند، صورت‌های مختلف می‌گردد. از آنجا که سه شخص وجود دارد (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص) و هر شخصی ممکن است مفرد یا مفرد باشد، هر فعلی دلالت پیدا می‌کند. صورت‌های مختلف می‌گردد که زمان و شخص و مفرد یا مفرد باشد. از آن‌جا که سه شخص وجود دارد (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص) و هر شخصی ممکن است مفرد یا مفرد باشد، هر فعلی دلالت پیدا می‌کند. صورت‌های مختلف می‌گردد که زمان و شخص و مفرد یا مفرد باشد.

فعل در فارSI، پنج نوع ساخته می‌شود: ساده، پیشوندی، مرکب، عبارت فعلی، فعل‌های ناگذر (خانلری؛ مستشاری، 1392: 243). فعلی که بر گذشته دلالت کند (مافی) و فعلی که به آنچه بر زمان آینده دلالت کند (مستقبل) و آنچه بر زمان حال و آینده هر دو دلالت کند (مضارع) است. برای فعل فاعلی لازم است، عنی فعل در واقع ساخت مسئولیت یا مسئولیت فاعلی یا مسئولیت فعلی (خانلری؛ مستشاری، 1392: 243). به این صورت که به تنها بی‌پوشی باشد. این نوع فعل در واقع ساخت مسئولیت یا مسئولیت فعلی است.

فعل ساده، فعل‌های پیشوندی، فعل‌های مرکب، فعل‌های پیشوندی مرکب، عبارت‌های فعلی، فعل‌های ناگذر

2-1-2- ساخته‌بندی فعل

فعل است که به قارئ آن یک تکواژ است; به بیان دیگر مصدر آن بیش از یک واژه نیست، یعنی تنها از

بن ماضی و نام یا نامه مصدر و آنها مصدر است ساخته‌شده است (احمدی گیوه؛ انوری، 1388: 16). فعل ساده به نظر می‌رسد مثلاً: این نوع فعل با قارئ که به تنها بی‌پوشی باشد. این نوع فعل در واقع ساخت مسئولیت یا مسئولیت فعلی است.
اصطلاح فعل مرکب را به افعالی اطلاق می‌کنیم که در فارسی، به عنوان زبان رسمی ایران بعد از سال میلادی به درآمد آمده‌اند. در این زبان مرکب، کلمه‌هایی که به صورت یک جمله مشترک به کار می‌روند، به صورت یک عددی از آن‌ها می‌باشند. در مواردی که مربوط به شعرا و شعر است، فاصله‌گذاری کلمه‌ها با هدف استحکام‌بخشی و نیز به دلیل تهیه جمله مشترک، به کار می‌روند.

به طوری که در زبان‌های دیگر نیز مثال‌های محدودی دارد، این گونه ساختار فعل مرکب عبارتی است که در صورتی که از دو جمله مشترک در جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود، به صورت یک جمله مشترک در صورتی که از دو جمله مشترک استفاده می‌شود.
فعل پیشوندی

1- فعل های پیشوندی با پیشوند «بر»: برآمدن، برگرفتن، برافتادن، برخاستن، برداشتن، برآشفتن، برآوردن، برگرداندن، برانگیختن، برچیدن.

2- با پیشوند «در»: دریافتن، درنوریدن، درآمدن، دررفتن، درگذشتن، درگرفتن، درماندن، درآوردن، درآوردن، وارزند، وارزند.

3- با پیشوند «باز»: بازگشتن، بازیافتن، بازداشتن، بازماندن، بازآوردن، بازگرداندن، بازگرفتن، بازآمدن، وارزند، وارزند.

4- با پیشوند «فرو»: فروورفتن، فروکردن، فرودادن، فروبردن، فروپاشیدن، فروماندن.

5- با پیشوند «وا»: واگذاشتن، واداشتن، واخوردن، واماندن، واخواستن، وارفتن، وادادن.

6- با پیشوند «ور»: وررفتن، ورآمدن، ورافتادن.

7- با پیشوند «فرا»: فراگرفتن، فراخواندن.

8- با پیشوند «پس»: پس دادن، پس گرفتن، پس افتادن.

تعکاژه‌ها «بر، در، باز، فرو، فرا، پس، وا، ور» اگر پیش از فعل ساده بیایند و معنی آن را تغییر دهند یا نه فعال پیشوندی می‌سازند. گاهی این پیشوند‌ها در معناها تأثیر می‌گذارند و فعلي با معنای جدیدی به فعل ساده نمی‌افزایند مثلا: شمردن و برشمردن با اضافه کننده «بر» و برشماردن که اگرچه از نظر تاریخی به معنای جدیدی به فعل می‌افزاید.

فعل ناقص: بجز عده بسیار کمی مانند «پنداشت» و «انگاشت» که همیشه ناقص هستند، بقیه گاهی ناقص هستند و گاهی تام و این حال بسی به اختلاف معنی است، چنانکه مثالاً «دید» در معنی رؤیت پیچش تام است و در معنی رؤیت پیچش، و باختن ناقص و همچنین «گردید» به معنی سیرکردن و چرخ زدن تام است و به معنی صیزورت ناقص هستند (خیام‌پور، ۱۳۸۹: ۷۴).
فعل‌های غیر شخصی در فارسی دری عبارتند از: بایستن، شایستن، زیبایی، سزاید، برازیدن، و در بعضی موارد استعمال، فعل توانستن.

فعل‌هایی که همیشه (یا در موارد متعدد) فعل تابع می‌یابند عبارتند از: بایستن، شایستن، برازیدن، برازیدن، فرمودن (خانلری، 1392: 126-128).

عبارت فعلی (گروه فعل)

دست کم از سه جزء تشکیل شده و یکی از آن‌ها حرف اضافه است و معنی کننده دارد، در فارسی دری فرآوان است: از پا درآمدن، به زانو درآوردن (ابوالقاسمی، 1382: 139-141).

عبارت فعلی به دسته‌ای از وازگان گفته می‌شود که از مجموع آن‌ها یک معنی به دست می‌آید و اغلب با یک فعل ساده یا فعل مرکب هم معنی می‌شود. عبارت‌های فعلی بیش از دو وازگان و معمولاً یکی از آن وازگان حرف اضافه است که در آغاز ترکیب می‌آید (احمدي گیوي؛ انتشارات، 1389: 17).

- 2-1-2- زمان فعل


- 2-1-2- افعال ماضی

ساخت‌های فعلی چه با یک ماضی ساخته می‌شوند، عبارتند از: ماضی ساده (مطلَق)، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعد، ماضی ابعاد، ماضی مستمر، ماضی مستمر (ملموس)، ماضی ملموس نقلی، ماضی التزامی، مستقبل (احمدي گيوي؛ انتشارات، 1388: 22).

فعل‌هایی که بر زمان گذشته دلالت می‌کنند می‌توانند نامیده شوند. انواع معروف فعل ماضی در زبان فارسی عبارت است از:

ماضی ساده (مطلَق)، ماضی نقلی، ماضی استمراری، ماضی بعد، ماثی مستمر، ماضی مستمر (ملموس)، ماضی ملموس نقلی (احمدي گيوي؛ انتشارات، 1388: 23).

- 2-1-2- فعل‌های مضارع، مستقل

مضارع فعلی است که معمولاً بر زمان حال یا آینده دلالت می‌کند، مضارع در زبان فارسی سه صورت دارد:

مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع مستمر (ملموس).

یادآوری: مضارع اخباری و مضارع التزامی در متون و در بسیاری از موارد، به همراه می و وب می‌آید که آن را مضارع ساده می‌نامند (احمدي گيوي؛ انتشارات، 1388: 41).
برخلاف نثر که فعلها در دام زمان خودشان که گذشته باشند اسیرند اسیرند، در شعر برخی از شاعران زبان فارسی نظر مولانا، حافظ و نیما یوشیدی افعال شعرشان در دام زمان گذشته نمی‌ماند و به واسطه معانی پویا و زندگی زمان گذشته عبور و به زمان ما می‌رسد و شعر آن‌ها از واقعیت زمانه به سوی حقیقت و کل زبان خیز برمی‌دارد. شعر «مرغ آمن» نیما معنی بخش حقیقت‌هایی درخشان بود:

"خلاق می‌گوید: «آمیزه‌ای از دو جهان درآمده جهان را خورده یکسر»

مرغ می‌گوید: «در حال آرزوی مجرد و نهایی»

چند بیت از غزل مولوی نیز برای درک این معنا جانبه‌ایمن که:

تن تن تن زهترام پرده‌های زند نوا // دف دف دف از این طبر پرده درد زرقی

گل گل شکفتیم و من بلبل بینما شدم // غل غل غل همی‌زنم در جمش زوق وقی

جم جم جم چام جم جم جم چام جم // نی نی نی به دف زند کاتش عشق مطلقوی (براحی، 1380، 1398-1393)

2-2-مباحث زبان شناختی

2-1-مؤلفه‌های معنایی

برخی از زبان‌شناسان بر این اعتقادند که برای توصیف دقیق فرآیندهای دستوری نیاز به مؤلفه‌های معنایی است و بدون توجه به این دسته از مؤلفه‌ها، طبقه‌بندی دستوری نارسای می‌نماید. «ریختن» را در نمونه‌می‌آورند که کاربردش با استناد مواجه می‌شود.

الف. هوشنگ آب را ریخت.
ب. آب ریخته شد.
پ. آب ریخت

حال اگر به جملهٔ الف بالا متممی با حرف اضافه‌ای «در» بیفزاییم، مساله به شکل دیگری درخواهد آمد:

الف. هوشنگ آب را در گلدان ریخت.
ب. آب در گلدان ریخته شد.
پ. آب در گلدان ریخت.

وجود این شرایطی می‌تواند زبان شناس را وسوسه کند تا مدعی شود که انگار «اراده» در نوع عملکرد افعال دخیل است (صفوی، 1392: 289-292).

12
فعلانی را دو وجهی می‌نامیم که در همه کارکرد‌هاشان به یک معنای بی‌پایند مثل «سوختن» که در گذرا و ناگذر یک معنا دارد اما اگر فعلی به دو یا چند معنایی به کار رود در هر یک از معنای خود، فعل جدیدی است.

بنابراین در شمار فعل‌های دو یا چند وجهی نمی‌گنجد (وحیدیان کامیار؛ عمرانی، 1383: 138-144).

شواهد معنایی از جنبه معنایی افعال که به شیوه ترکیب یا انضمام ساخته شده کل هزار معنایی است. افعال مرکب کل ها

از جنبه معنایی افعالی که به شیوه ترکیب یا انضمام ساخته شده کل هزار معنایی است. به عنوان مثال، پیشوند نوی سی فلسفه در افعال مرکبی که به کمک انضمام و ترکیب تشکیل شده کل فعل مرکب را نوی می‌کند، معنی سیفسه آن کل فعل مرکب را شامل می‌شود. به عنوان مثال، فلسفه در افعال مرکبی که به کمک انضمام و ترکیب تشکیل شده کل فعل مرکب را نوی می‌کند، معنی سیفسه آن کل فعل مرکب را شامل می‌شود. به عنوان مثال، فلسفه در افعال مرکبی که به کمک انضمام و ترکیب تشکیل شده کل فعل مرکب را نوی می‌کند، معنی سیفسه آن کل فعل مرکب را شامل می‌شود.
مي توان نتیجه گرفت كه ما بدون در نظر گرفتن دستور زبان و بسياري از ديجي جنبه‌های ساخت زبان، قادر به مطالعه معنی‌شناسي نخواهیم بود (همان: 62). معنی‌شناسي تنها به روشي كه ما زبان خود را با تجربیات جهان خارج مرتبط مي‌سازيم، مي‌پردازيم؛ بنابراین "مصداق" عنصر اساسی مطالعات معنی‌شناسي را تشکيل مي‌دهد. هرچند "روابط مفهومی" نيز به خش مهمي از مطالعه زبان را شام است (همان: 60). 

بدین ترتيب ما دو نوع معنی‌شناسي در مقابل خود داريم. يكي، كه به ساخت معنایي مي‌پردازد و ديگري، كه معنی را برحسب تجربیات غيرژنايي جهان خارج مورد بررسی قرار مي‌دهد (همان: 62). "نظریه معنایي" توصيف كننده توانايي تعبر و تفسير اهل زبان است و اين كار را با توضيح كنش آنها در تشخيص بردشت های مختلف از یک جمله، با تعیین ناهنجاری‌های معنایي و روابط تفسيري جملات و نيز با تشخيص ساير روابط با خواص معنایي كه نشري در اين توانايي افگا مي‌كند، انجام مي‌دهد. اگر باخواهم عبارت فوق را بصورت خيلي ساده و غيرلتويضي دهيم، بايد بگويم که تصور زبان من را به مباحث دیگر مي‌گيرد و كتابات موجود در جملات را توجيه كند (همان: 63). اين توجه داشت بر تفاوت بازي و بهبود و به صورت مجزت مي‌تواند مورد نظر باشد، بلکه معنی اين در ارتباط با ساير زبانگان و شايد به تمامی جمله بايد مرنگ قرار گيرد و به همين دليل ناپيدا به دنبال شناخت معنی اين گونه وازگان به صورت مجرد بود (همان: 72).

تشخيص دقيق معنی "شناسي" آسان نبست و تلی و برای تعريف اين نوع معنی به كمک ويزگي آن در همين ارتباط مي‌توان گفت كه سيايي از افعال و صفات يا معنی "شناسي" اندکي دارند و يا اصلاً فاقد آن است (همان: 109).

2- معنی‌شناسي شناختي

تگرشي، دانش زبانی انسان مستقل از انديشيدن و شناخت نبست. شايد بنوتان معنی شده كه هسته‌هاي اصلي آنچه اين دسته از معنی‌شناسي به آن معققدند، در اين عبارت نهفته است كه "دانش زبانی" یخشي از شناخت عام انسان است (مصفوي، 1392، ص.347-365).

حتي اگر به‌پژريم كه هر نماد زبان به چيزي در جهان خارج دلائت دارد، كه ندارد، با هم چين تگرشي صرفاً به معاني صريح وازگان محدود مي‌باشد، در حالي كه معنی‌شناسي باید از مباني برخورد باشد كه تواند معاني صريح، ضمني، مجازي، استعاري و كه بافت‌هاي را مورد بررسي و مطالعه قرار دهد؛ يعني معنی به آن گونه- اي مطالعه شود كه انسان به كار مي‌رود و درك مي‌كند. به اين ترتيب اين رهابات بزيمودي است و علوه بر اين، به وجود تماسي ميراث معني‌شناسي و كاريبدشناسي نيز قابل نبست. حال يايد ديد كه با توجه به اين مباني، معنی‌شناسي شناختي از معنی چه تعريف به دست مي‌دهد. به اين ترتيب ساخته‌هاي معنی‌شناسي هچون ساير حوژه‌هاي شناختي مقولات دهته‌اي را در مي‌نمایند كه اساسان ها از طريق تجربیاتان به آنها شکل داده‌اند (همان: 367).

1. linguistic knowledge
The aim of the thesis is to analyze the meanings of the verb Hafez. Grammar is one of the three branches of linguistics important to build phonetic, morphological, syntactic and semantic language are discussed. In this study, a detailed study of Hafez, on the important subject of the verb and the meaning of verbs comprehensive discussion takes place. In this thesis include five forms of Hafez is the most frequent acts as selection criteria that include: touching, dragging, see, coming, wanting and for each of these actions, a semantic framework was presented. Hafez is ambiguous verbs, verbs and extend words surrounding this topic semantic transitions.

This thesis consists of five chapters. The first chapter contains findings, the research objectives, questions, and hypotheses, research methodology and techniques is collected. In the second chapter, previous studies in the field of cognitive grammar and semantics and semantic transitions is studied. Chapter three, theoretical considerations, the concept of a fundamental and secondary verb's meaning. Fourth chapter is devoted to analysis and research activities of Hafiz refers to the world and the fifth chapter examines the results and recommendations for further research are discussed.

Keywords mean, verb, semantic shifting, Synonymy, grammar language, Hafez.
Thesis submitted in partial fulfilment of the requirements for the degree of M.A. in Resistance Literature Persian Language and Literature

Title:
The meanings of verbs in Divan Hafezes

Supervisor:
Khodabakhsh Asadollahi (Ph. D)

Advisor:
Ramin Moharami (Ph. D)

By:
Elahe Shahhosseini

September – 2016